

حماس هنوز در مسیر است

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره 3، پیاپی 63، پاییز 1394؛ صفحات 175-197

گفت‌وگوی امیرحامد آزاد با حسین شیخ‌الاسلام*

مقدمه

آغاز بحران در سوریه، نه تنها یکی از عوامل تسری بحران به عراق و تبدیل صحنه این دو کشور به میدان نبرد تمام عیار بود، بلکه اساساً تغییر در معادلات کنشگران فعال در محور مقاومت را نیز دستخوش تغییر کرد. جمهوری اسلامی ایران در حالی مرزهای امنیتی خود را در آستانه دریای مدیترانه و حدود سرزمین‌های اشغالی تعریف کرده بود که بعد از جنگ‌های 33 روزه در لبنان و 23 روزه در غزه، موازنه وحشت بین اسرائیل و گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان دست‌کم به مدت 3 سال در حالت تعادل باقی مانده بود. با این وصف، آغاز بحران و سپس جنگ در سوریه از یک سو توان حزب‌الله و تمرکز جمهوری اسلامی ایران را معطوف به خود کرد و از سوی دیگر تغییر رویکرد بخش فلسطینی محور مقاومت و به طور مشخص حماس، روابط داخلی محور مقاومت را خدشه‌دار ساخت. هر چند جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز راه انفعال را در پیش گرفت، اما در مورد حماس این روند تا جایی پیش رفت که می‌توان گفت این سازمان در پرونده سوریه، در کنار محور مقاومت که همواره از حماس و مقاومت فلسطینی حمایت می‌کرد، قرار نگرفت.

* این گفت‌وگو در محل مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، بین آقایان دکتر امیرحامد آزاد کارشناس مسایل سیاسی این مؤسسه و آقای مهندس شیخ‌الاسلام مشاور رئیس و مدیرکل بین‌الملل مجلس شورای اسلامی و دبیرکل کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین انجام شد.



با گذشت پنج سال از جنگ داخلی سوریه و اضافه شدن پیچیدگی‌های مضاعف بر این پرونده و نیز وقوع بحران در یمن، به نظر می‌رسد روابط حماس و محور مقاومت در پایین‌ترین سطح ممکن جریان دارد. این درحالی است که وضعیت پرونده فلسطین و مقاومت مسلحانه فلسطینی، تحت تأثیر تسلط پیچیدگی بر روابط طرفین و شرایط تحمیل شده از ناحیه بحران‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. بر این اساس مؤسسه اندیشه‌سازان نور بر آن شد تا با برگزاری یک گفت‌وگوی تخصصی درباره روابط جمهوری اسلامی ایران و حماس، به بررسی روندهای جاری پردازد و ضمن آسیب‌شناسی روابط طرفین، تا جایی که ممکن است به ارائه راهکار برای تقویت رابطه حماس و محور مقاومت و بازتعریف استراتژی مقاومت در برابر الگوی رفتاری حماس مبادرت کند.

بنیان‌های مشترک در همکاری با حماس

مقدمه و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی به عنوان میثاقی که همه به آن اعتقاد داریم و به آن پایبندیم، بر تعلق انقلاب اسلامی به همه مستضعفین جهان و لزوم تدارک شرایط تداوم انقلاب در همه جای جهان تأکید دارد. این موارد به همراه گسترش روابط با جنبش‌های اسلامی و مردمی تا تشکیل امت واحده اسلامی، استمرار مبارزه برای نجات ملت مظلوم و تحت ستم در تمامی جهان¹ و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان،² اصولی است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران برای اجرای آن قسم یاد می‌کنند. همچنین سخنانی امام خمینی (ره) برای تبیین ویژگی‌های روز قدس،³ مسئله فلسطین و قدس را به طور خاص در چارچوب

1. مقدمه قانون اساسی

2. اصل 154 از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

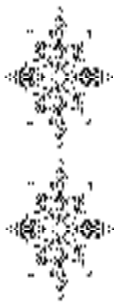
3. «روز قدس» یک روز جهانی است. روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز مقابله ملت‌هایی زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا و مقاومت در مقابل ابرقدرت‌هاست. روزی است که باید مستضعفین مجهز شوند در مقابل مستکبرین و دماغ

مبارزه با مستکبرین تعریف و بر مردمی بودن روند آن تأکید می‌کند. بند سوم از اصل 167 قانون اساسی که در راستای شرح وظایف شورای امنیت ملی، «بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی» تصریح می‌کند، در واقع ناظر به عملکرد جمهوری اسلامی ایران در پرونده‌های لبنان و فلسطین است.

یک زاویه تحلیلی درباره مراسم براثت از مشرکین در سال 1366 که به کشتار حجاج انجامید بر این مبنا شکل می‌گیرد که در واقع آن مراسم، برنامه‌ای بود که امام خمینی (ره) به واسطه آن قصد داشت شیوه انقلاب را به ملت‌های دیگر بیاموزد. به خاطر داریم که در آن مراسم ماکت قدس پیشاپیش جمعیت حرکت داده می‌شد و مسلمانان با چشم‌گریان به صفوف حجاج ایرانی می‌پیوستند و نیز به یاد داریم که بیشترین شهدای غیر ایرانی حج خونین، فلسطینی‌تبار بودند. بخش فلسطینی آخرین پیام امام خمینی (ره) به مناسبت حج و سالگرد کشتار خونین مکه شاهد این ادعاست که مراسم براثت از مشرکین در حج خونین سال 66، شعله‌های قیام و انقلاب را دوباره با رویکردی اسلامی در فلسطین برانگیخت.¹ به دنبال این مراسم، انتفاضه فلسطین به عنوان یک پدیده جدید از

مستکبرین را به خاک بمالند. روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین، این روز را روز قدس می‌دانند و عمل می‌کنند به آنچه باید بکنند. و منافقین - آنهایی که با ابرقدرت‌ها در زیر پرده آشنایی دارند و با اسرائیل دوستی - در این روز بی‌تفاوت هستند، یا ملت‌ها را نمی‌گذارند که تظاهر کنند. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود، باید ملت‌های مستضعف اعلام وجود کنند در مقابل مستکبرین. باید همان‌طور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید و خواهد مالید، تمام ملت‌ها قیام کنند و این جُرمه‌های فساد را به زباله‌دان‌ها بریزند. روز قدس، روزی است که باید این دنباله‌روهای رژیم سابق در ایران و آن توطئه‌چین‌های رژیم فاسد و ابرقدرت‌ها در سایر جاها خصوصاً در لبنان، تکلیف خودشان را بدانند. روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم. روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم. روزی است که باید جامعه مسلمین همه اظهار وجود کنند و هشدار بدهند به ابرقدرت‌ها و به این تَفاله‌هایی که مانده است از آنها - چه در ایران و چه در سایر جاها...» سخنرانی در جمع مردم، زمان: 25 مرداد 22/1358، رمضان 1399، مکان: قم. موضوع: ویژگی‌های روز جهانی قدس. صحیفه امام ج9 ص: 276

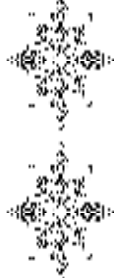
1. «ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه‌کن شدن نظام‌های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی‌نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه براثت از مشرکان نگذشته است، عطر خون‌های پاک شهدای عزیز ما



دل ناامیدی‌ها سر برآورد. نماد تحول در فلسطینی‌ها تغییر شعار «الاسلام هُوَ الحَل» در اخوان المسلمین به «الخَمینِی هُوَ الحَل» بود که در کتاب فتحی شقاقی موسس جنبش جهاد اسلامی فلسطین نمود پیدا کرد و ایران تبدیل به امید مردم و مبارزان فلسطینی شد. اما در اثنای رشد اسلام‌گرایی انقلابی در میان فلسطینی‌ها، حماس به عنوان دنباله فلسطینی شبکه اخوان المسلمین، اعلام موجودیت کرد. اخوان المسلمین سال‌ها در میان اقبشار اجتماع، کار تشکیلاتی انجام داده و از جایگاه ویژه‌ای در جامعه فلسطین برخوردار بود.¹ بنابراین تلافی مشخصی بین

در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطن‌گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سال‌هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده‌اند! شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نو میدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوری و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت.»

1. اخوان المسلمین در اواخر سال 1945 در یافا به ریاست سید «ظافر الدجانی» کار خود را آغاز نمود. حیف و نابلس در سال 1946 اولین هسته اخوان المسلمین را به خود دید و پس از آن، این جمعیت با تأسیس چهار شعبه در غزه به ریاست «حاج ظفر الشو» کار خود را آغاز نمود. سه شعبه در الرمال، حی الزیتون، حی الدرغ نیز حول شعبه مرکزی اداری غزه شروع به فعالیت کردند. خان یونس، رفح و مناطق البریج و النصیرات نقاط دیگری بودند که اخوان المسلمین به سرعت در آنها مستقر شدند. گروه‌های مستقر در غزه پس از جنگ 1948 و اشغال اراضی فلسطین، مقاومت را به رهبری «شیخ عمر صوان» و «عباس السیسی» آغاز کردند. یک سال پیش از اشغال، فعالیت نظامی ده‌ها شعبه اخوان المسلمین در شمال، جنوب و منطقه میانی فلسطین تحت سرپرستی نماینده نظامی این گروه «الصاغ محمود لیب» و با تأسیس سازمان جوانان عربی (منظمه الشباب العربی) آغاز شده بود. «الصاغ محمود لیب» در چارچوب سازمان مذکور به تشکیل گردان‌های ذخیره فلسطین (کتابت انقاذ فلسطین) پرداخت. او افراد گروه را برای آموزش به مدرسه نظامی اخوان المسلمین در مصر اعزام می‌کرد. با آغاز اشغال فلسطین، عملیات تهیه و ارسال سلاح از طریق صحرای سینا برای گروه‌های مقاومت مسلح در فلسطین به فرماندهی «حسن البنا» رهبر اخوان المسلمین و «صالح حرب» رئیس سازمان الشبان المسلمین و «محمد علی علویه» در قالب تشکیل کمیته وادی النیل آغاز شد. با آغاز اشغال در سال 1948، گروه‌های مسلح فلسطینی به تشکیل سه گردان پرداختند که گردان اول به فرماندهی «حمد عبدالعزیز» مسئولیت حمله به مواضع نظامی اسرائیل در النقب را برعهده گرفت. دومین گردان به فرماندهی



آرمان‌های انقلابی در ایران و فلسطین ایجاد شد که همانا رجوع به آرای اسلام (تبدیل قدس به مسئله جهان اسلام) برای آزادی قدس و فلسطین بود. از یک‌سو، جریان انقلاب اسلامی برای تحقق هدف نابودی اسرائیل به مبارزان فلسطینی نیازمند بود و از سوی دیگر، حماس به عنوان محور مقاومت مسلحانه فلسطینی با رویکرد اسلام‌گرایی به برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی ایران تمایل داشت. بنابراین از این مقطع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تمام توان در این عرصه شروع به همکاری با حماس در راستای دستیابی به هدف مشترک دوجانبه کرد. با وجود تعارض تاریخی شاخه سوری اخوان المسلمین با حکومت سوریه که نقطه عطف آن درگیری‌های 1982 در حما بود، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از بستر سرمایه‌گذاری عظیم سیاسی خود در سوریه تلاش زیادی انجام داد تا نظام سوریه، حماس را به عنوان شاخه اخوان المسلمین در خاک خود بپذیرد. این امر محقق شد و حکومت سوریه با وساطت ایران، همکاری با حماس را به شکل گسترده‌ای آغاز کرد؛ البته حماس نیز تا قبل از آغاز بحران 2011، هیچ اقدامی که مبتنی بر تلاش‌های ضد حکومتی در چارچوب کمک به اعضای شبکه بین‌المللی اخوان المسلمین باشد، انجام نداد. همکاری جمهوری اسلامی ایران با حماس، نه منحصر به سوریه، بلکه دربرگیرنده جغرافیای خاورمیانه و شمال آفریقا است. درحالی سفر شیخ احمد یاسین به ایران و دیدار وی با مقام معظم رهبری، نمادی از عالی‌ترین سطح همکاری ایران و حماس در همه حوزه‌ها محسوب می‌شد که این روند بعد از آغاز بحران سوریه به سمت واگرایی سوق پیدا کرد، تا جایی که شواهد در نبرد قُصیر نشان می‌داد اعضای حماس با سلاح، تاکتیک‌ها و

«عبدالجواد طباله» و همراهی ارتش مصر به دفاع از منطقه غزه پرداخت. از سوی دیگر، اخوان المسلمین اردن به رهبری شیخ «عبداللطیف ابو قوره»، اخوان المسلمین سوریه به رهبری «مصطفی السباعی» و اخوان المسلمین عراق به رهبری شیخ «محمد الصواف» اولین نیروهای مقاومت مسلحانه غیردولتی بودند که برای مبارزه به سرزمین‌های اشغالی وارد شدند و اولین درگیری‌های مسلحانه با ارتش اسرائیل را در مناطقی مانند کفار داروم و البته 86 در غزه، تل بیوت در بیت لحم و جبل المکبر در قدس شکل دادند... ابوزایده، حاتم یوسف، جهاد الاخوان المسلمین فی فلسطین، 2009، مکتب الاعلامی کتائب شهید عزالدین قسام، وحده کتب و دراسات: صص 121-29.

تکنیک‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در اختیار آنان قرار داده بود در حال نبرد در مقابل نیروهای غیرفلسطینی محور مقاومت هستند. حماس بارها حضور افراد وابسته به خود در صفوف معارضین سوری را یک اقدام فردی و نه یک تصمیم و اراده سازمانی اعلام کرده است. البته در طول مدت همکاری با حماس، مواردی مانند تفکر سازمانی آنان در قبال پذیرش طرح آتش بس (هدنه) با اسرائیل،¹ رقابت و برتری‌طلبی زورمدارانه نسبت به جنبش جهاد اسلامی² و نیز مشارکت سیاسی در حکومت خودگردان فلسطین وجود داشت که نقاط مبهم دوره همکاری طرفین محسوب می‌شد. اما به هر حال پایبندی حماس به آرمان قدس و استدلال این سازمان برای مشارکت سیاسی در تشکیلات خودگردان که مستلزم پایبندی به پیمان اسلو، خلع سلاح و پایان دادن به مقاومت مسلحانه بود یک علت قوی برای ادامه همکاری طرفین محسوب می‌شد. به ویژه که حماس در نبردهای 23 روزه سال 2008-2009، نبرد 8 روزه سال 2012 خرده جنگ‌های همان سال و در نهایت جنگ 51 روزه در سال 2014 نشان داد که هنوز در پرونده فلسطین قائل به ادامه راه مقاومت مسلحانه است.

1. شیخ احمد یاسین بعد از آزادی از زندان، روز هفتم اکتبر 1997 آتش بس مشروط با اسرائیل را به شرط عقب‌نشینی از غزه و کرانه باختری و تخلیه همه شهرک‌های یهودی پذیرفته بود. در آن مقطع، با وجود اعلام تهدید و ارباب صهیونیست‌ها توسط شهید رنتیسی شخصیتی مانند موسی ابومرزوق پیام‌هایی برای پذیرش آتش بس مخابره می‌کرد. در نوامبر سال 1997، حماس دوباره پیشنهاد آتش بس را مطرح کرد. یک بیانیه عمومی توسط شاخه نظامی حماس اشاره کرد که اگر اسرائیل حمله به غیرنظامیان فلسطینی را پایان دهد حمله به غیرنظامیان صهیونیست نیز پایان خواهد یافت. شیخ احمد یاسین بار دیگر در ماه می 1999 و هم‌زمان با انتخاب ایهود باراک به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل، پیشنهاد آتش بس مشروط به عقب‌نشینی اسرائیل به پشت مرزهای 1967 را مطرح کرد.

2. حماس پس از جدایی جنبش جهاد اسلامی از جریان اخوان المسلمین، همواره به دنبال جذب و ادغام این گروه فلسطینی ذیل فرماندهی حماس بود و همواره از اینکه جنبش جهاد اسلامی راه هر گونه گفت‌وگو و مذاکره درباره ادغام مجدد را بسته است گله‌مند بود. اختلاف این دو گروه بزرگ مقاومت بر سر اعلام مسئولیت عملیات‌ها اگرچه پنهان است اما جدی محسوب می‌شود. برای نمونه، حماس با انتشار سلسله کتاب‌هایی درباره شرح عملیات‌ها، بخش زیادی از مباحث را به طور انحصاری به بیان ادعای جعل مسئولیت اجرای برخی از عملیات‌ها توسط جنبش جهاد اسلامی فلسطین اختصاص داده است. برای نمونه رجوع کنید به صفحه 26 از جلد ششم کتاب سلسله انتفاضة الأقصى- العمليات العسكرية للمقاومة الفلسطينية (6) (2000/9/28 م - 2004/12/31 م) نوشته عبد اللطیف الأشقر، م. اسماعیل و محمد غازی بسیسو، مؤمن، منتشر شده توسط مرکز العربي للبحوث والدراسات، غزة - فلسطین

سطوح رفتاری حماس

به نظر می‌رسد با توصیفات کوتاهی که از مواضع انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و حماس نسبت به آرمان قدس و به‌طور کلی پرونده فلسطین ارائه شد، باید حماس را بزرگ‌ترین سازمان مقاومت فلسطینی و واجد ویژگی‌های چند بُعدی قلمداد کرد که الگوی عملکرد و نقش‌آفرینی آن در محور مقاومت و روابط حماس با جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. بر همین اساس بهتر است برای تحلیل بهتر از وضع موجود و سپس ارائه راهکار برای اصلاح انحراف از معیارهای احتمالی، چارچوب مشخصی را از ابعاد رفتاری سازمان حماس ترسیم کنیم و پس از آن به بررسی اجزای این چارچوب و تحلیل آن بپردازیم.

می‌توان الگوی رفتاری سازمان حماس را در پنج سطح، مورد بررسی و تحلیل

قرار داد:

1. حماس به عنوان محور فلسطینی¹ محور مقاومت
 2. حماس به عنوان دنباله فلسطینی جریان جهانی اخوان المسلمین
 3. حماس به عنوان دنباله فلسطینی جریان اهل سنت
 4. حماس به عنوان دنباله فلسطینی جهان عرب
 5. حماس به عنوان متصدی اداره امور رفاهی غزه
- در واقع آنچه مبنای برقراری ارتباط میان جمهوری اسلامی ایران با حماس به عنوان محور فلسطینی محور مقاومت را تشکیل می‌دهد، آرمان قدس و هدف‌گذاری برای حذف اسرائیل است که از آرای پرشمار امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری برانگیخته شده است. همچنین اعلام زمان‌بندی دقیق 25 ساله² برای

1. استدلال برای تعریف چنین جایگاهی برای حماس، متکی به استعداد نیروی انسانی، استعداد نظامی و گستردگی سازمانی است.

2. بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار افشار مختلف مردم، مورخ 18 شهریور 94: «یک جمله راجع به رژیم صهیونیستی عرض بکنیم؛ بعد از اتمام این مذاکرات هسته‌ای، شنیدم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا 25 سال از دغدغه‌ی ایران آسوده‌ایم؛ بعد از 25 سال فکرش را می‌کنیم. بنده در جواب عرض می‌کنم اولاً شما 25 سال آینده را نخواهید دید. ان‌شاءالله تا 25

حذف اسرائیل توسط فرمانده کل قوا نیز از عمق استراتژیک این مبانی در ادبیات ترویجی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد. در مقابل، حماس نیز در میثاق‌نامه‌اش شریعت اسلام را سرلوحه کار خود و ملت فلسطین اعلام کرد و جهاد برای آزادی اراضی اشغالی را «واجب شرعی» بر شمرد و این «وجوب» را به کل جهان اسلام تسری داد. در همین راستا، حماس حل جریان فلسطین به هر روش مسالمت‌آمیز را عدول از آرمان فلسطین و دین معرفی کرد و تشکیل کنفرانس‌ها، عقد معاهدات و... را در این مسیر، اتلاف وقت و کار عبث دانست.¹ همچنین مشی این سازمان از زمان تأسیس تاکنون نشان می‌دهد که حماس تلاش برای دستیابی به این هدف‌گذاری را متوقف نکرده است.²

بعد از سال 2011، روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و حماس، متأثر از آغاز بحران و جنگ داخلی در سوریه و سپس در یمن،³ چنان دچار دگرگونی شد که برخی تحلیلگران، سطح روابط این دو کنشگر در پرونده فلسطین را از همکاری استراتژیک به قطع روابط تنزل دادند و برخی دیگر از تحلیلگران، سناریوهایی مبنی بر آغاز تخاصم در پرونده‌های سوریه و یمن را ترسیم نمودند. با این وصف، به نظر می‌رسد می‌توان در بحث پیش‌رو الگوی رفتاری حماس در محور مقاومت را به عنوان متغیر وابسته و کنش متقابل جمهوری اسلامی ایران را در جایگاه متغیر مستقل مورد بررسی قرار داد که جایگاه حماس در چهار حوزه دیگر به عنوان

سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت».

1. میثاق حرکه حماس 1988، مواد 11-13-15
2. با وجود رعایت آتش‌بس میان حماس و اسرائیل در نوار غزه، تبلیغات روزانه حماس، لحظه‌ای در ترویج ادبیات مقاومت متوقف نمی‌شوند. برای نمونه، حماس از آغاز عملیات چاقوزنی فلسطینی در کرانه باختری همواره تلاش می‌کرد تا از آن موج هدایت‌پذیر بسازد و آن را به یک انتفاضه در کنترل خود تبدیل کند. همچنین تعدادی از افراد عملیات‌کننده در قدس و کرانه باختری از 14 سپتامبر 2015 به این سو، به حماس وابستگی سازمانی داشته‌اند.

3. «حماس» از حمله عربستان به یمن دفاع کرد و حتی بار دیگر هرگونه اختلافات داخلی پیرامون حمایت از تجاوز نظامی عربستان و متحدانش ضد یمن را تکذیب نمود. هم‌چنین بر همراه بودن این جنبش با عملیات عربستان ضد حوثی‌های یمن تأکید کرد. «سامی ابوزهری» سخنگوی حماس در این رابطه گفته بود: «برخی گمانه‌زنی‌ها پیرامون اختلافات داخلی حماس در برابر عملیات «توفان قاطع» صحت ندارد و آنچه روزنامه‌های مصری در این باره منتشر کردند، کذب محض است».

متغیرهای دخیل بر کنش و واکنش آنان تأثیرگذار است.

هویت‌ها و کنش‌های متفاوت در حماس

می‌توان چهار بخش ترسیم شده از الگوی رفتاری و عملکردی حماس را در قالب هویت نیز باز تعریف و تحلیل نمود. بر این اساس باید حماس را یک مجموعه هویتی چند پارچه توصیف کرد که مذهب، قومیت، ملیت و سازمان اجزای آن را تشکیل می‌دهند:

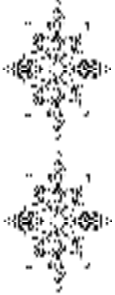
1. حماس در هویت مذهبی یک سازمان سنی سلفی با گرایش اخوانی است

2. حماس در هویت قومی، دنباله‌ای از جهان عرب است

3. حماس در هویت ملی، فلسطینی است

4. حماس در هویت سازمانی، ضد صهیونیستی است

بنابراین حماس یک گروه ضد صهیونیستی سنی سلفی اخوانی فلسطینی عرب است که در چارچوب گروه‌هایی که هویت چند پارچه دارند، قابل تعریف است. این قبیل گروه‌ها اغلب در زمان محدودیت‌ها و تنگناها، یکی از هویت‌ها را بر هویت‌های دیگر ترجیح می‌دهند. از این رو هویت غالب در مقاطع خاص مبنای تصمیم‌گیری و کنش در چنین سازمان‌هایی قرار خواهد گرفت. عامل موقعیت از این منظر تأثیرگذار است که حماس در تقابل با غیریت‌های مختلف در هر موقعیت، کنشی متأثر از هویت متناسب با غیریت مقابل از خود بروز می‌دهد. برای نمونه طبیعی است که در مقابل غیریت غیرفلسطینی، هویت فلسطینی حماس غلبه می‌کند. البته در پرونده فلسطین همه هویت‌ها به موازات هم بر کنش حماس تأثیرگذار هستند، ولی مثلاً در زمان درگیری با اسرائیل، حماس و ملت فلسطین، ملت عرب را بر اساس هویت عربی مشترک خود مورد خطاب قرار می‌دهند. همین مسئله در پرونده سوریه نیز قابل لمس است که هویت سنی سلفی اخوانی حماس بر هویت‌های دیگر این سازمان و به‌طور مشخص بر

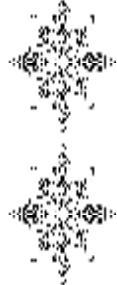


هویت ضد صهیونیستی حماس غلبه کرد و غیریت مقابل حماس نیز به صورت مشخص در نظام سوریه و حامیان آن که در حال مقابله با معارضین سنی سلفی اخوانی در سوریه بودند، تعریف شد. همچنین در پرونده یمن، هویت سنی سلفی حماس باعث تعریف غیریت مقابل این سازمان در قالب حوثی‌ها، انصارالله و حامیان آنان شد. بنابراین تا زمانی که بحران‌های منطقه‌ای که عامل مذهبی یا قومی در آن برجسته است، تداوم داشته باشد شاهد کم‌رنگ شدن نقش هویت ضد صهیونیستی در گُنش و واکنش حماس در قبال جمهوری اسلامی و در نتیجه، تداوم واگرایی این سازمان از جمهوری اسلامی ایران خواهیم بود. البته باید در این حوزه به نکات مهمی توجه داشت که در برجسته‌سازی هویت سنی سلفی در پرونده سوریه، به دلایل زیر تقصیری متوجه جمهوری اسلامی و سایر اعضای محور مقاومت نبود:

1. جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان به دلیل ویژگی ضدصهیونیستی و نقش آن در محور مقاومت و پرونده فلسطین از نظام سوریه حمایت کردند نه علوی بودن آن.

2. ورود جمهوری اسلامی و حزب‌الله در پرونده سوریه، بعد از ورود نیروهای خارجی به ویژه القاعده و داعش آغاز شد.

با وجود ترسیم الگوهای موجود به نظر می‌رسد سازمان حماس، دارای کنشی دوگانه است و باید به تفاوت موجود میان گُنش شاخه نظامی و کنش شاخه سیاسی حماس توجه نمود. همچنین باید میان حماس مستقر در غزه و بیرون از آن نیز تفاوت قائل شد. بنابراین می‌توان رفتار شاخه‌های سیاسی و نظامی داخل و خارج غزه را نیز تابع الگوی رفتار نهادی و غیرنهادی قلمداد و چنین تعبیر کرد که ویژگی جنبشی در شاخه سیاسی به ویژه میان اعضای خارج از غزه از بین رفته و رفتار این طیف در حماس از الگوی نهادی تبعیت می‌کند که موکول به



مصلحت‌اندیشی در چارچوب ادبیات واقع‌گرایی¹ رایج در روابط بین‌الملل و به طور خلاصه، عملگرایی² است. در صورت تداوم روند فعلی، ویژگی‌های رفتار نهادی در حماس غلبه خواهد یافت و ویژگی جنبشی این سازمان را پیش از دست‌یابی به آرمان و هدف‌های تعیین شده از بین خواهد برد. از این رو، از منظر جامعه‌شناختی، نتیجه تبدیل شدن یک جنبش به نهاد پیش از دست‌یابی به آرمان، مرگ سازمانی خواهد بود که نمونه عینی و تجربی آن در پرونده فلسطین، سازمان آزادی‌بخش فلسطین بعد از تشکیل دولت خودگردان است.

چالش‌های داخلی و الگوی رفتاری حماس

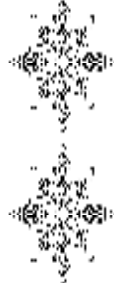
با توصیف الگوهای رفتاری و هویتی حماس، توجه به نقش حماس به عنوان متصدی اداره امور رفاهی غزه می‌تواند تا حدود زیادی توجیه‌کننده رفتار عملگرایی این سازمان نسبت به کنشگرانی باشد که در بازسازی و اداره امور غزه به حماس کمک می‌کنند. بی‌شک تلاش و رقابت کنشگرانی مانند عربستان سعودی، قطر، ترکیه و امارات متحده عربی برای حل سیاسی پرونده فلسطین در طرح‌هایی نظیر دو دولت در یک سرزمین، رفتار سیاسی حماس را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به هر حال وضعیت وخیم اقتصادی و رفاهی داخل غزه بعد از محاصره این منطقه توسط اسرائیل از سال 2007 مؤید موقعیت بغرنجی است که حماس با آن روبه‌روست. برای نمونه، نرخ بیکاری در گزارش موردی بانک جهانی در روز 27 می 2015 که به مانیتورینگ اقتصادی غزه اختصاص داشت، در غزه معادل 43,9 اعلام شده بود. همچنین بر اساس این گزارش، نرخ تولید ناخالص ملی از سال 2007 در غزه 50 درصد کاهش پیدا کرده بود، در حالی که متوسط حقوق ماهیانه در غزه در سال 2014، 174 دلار آمریکا گزارش شده که نرخ فقر، 39 درصد و 11 درصد نسبت به سال 2013 افزایش یافته و نرخ

پرداخت واقعی 970,4 دلار در سال اعلام شده بود که 31 درصد نسبت به 20 سال پیش کاهش یافته است. همچنین نرخ رشد جمعیت 230 درصد افزایش یافته بود. در عین حال براساس گزارش آنروا بعد از جنگ 51 روزه، 80 درصد مردم از خدمات اجتماعی محروم و 40 درصد نیز به زیر خط فقر سقوط کرده بودند. این گزارش همچنین اعلام کرده بود که بعد از محاصره غزه در سال 2007، حدود 60 درصد بخش تولیدی در این منطقه از بین رفته است.¹ در حالی نیاز حماس برای بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ‌های حد فاصل 2009 (22 روزه) تا 2014 (51 روزه)، 4 میلیارد دلار تخمین زده شده است² که حتی به فرض تأمین این رقم و بازسازی غزه، به سختی می‌توان تصور کرد که حماس یک کنشگر انقلابی باقی بماند و مواضع تهاجمی نسبت به رژیم صهیونیستی از خود نشان دهد؛ زیرا به طور طبیعی در صورت وقوع یک جنگ جدید و خرابی‌های بعد از بازسازی، این حماس خواهد بود که نزد افکار عمومی غزه پاسخگوی وضعیت موجود معرفی خواهد شد. فشار افکار عمومی مردم غزه و به طور کلی فلسطینی به حماس، یک مسئله جدی است که می‌توان نقش زیادی برای آن در تأثیر بر کنش عملکرد حماس قائل شد. در واقع، نظرسنجی‌های نوبه‌ای متعدد در سال‌های 2014 و 2015 نشان می‌دهد که رفتار فلسطینی‌ها در کرانه باختری و غزه به سمت عملگرایی سوق پیدا کرده است.

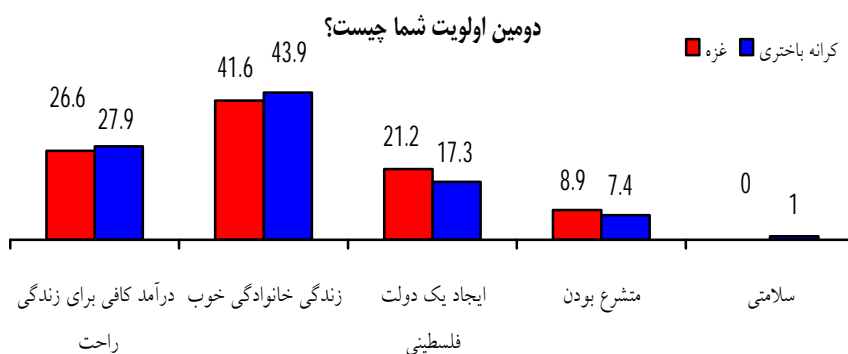
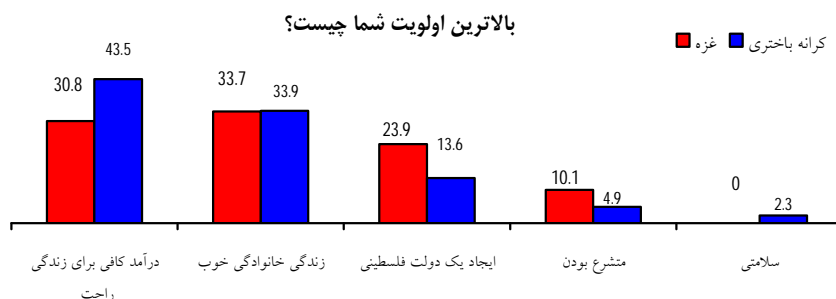
مؤسسه الفکره با همکاری مؤسسه خاور نزدیک واشنگتن، روز 23 جولای 2015 یک نظرسنجی را که مبتنی بر مصاحبه با 513 فلسطینی در کرانه باختری و

1. Economic Monitoring Report to the Ad Hoc Liaison Committee: May 27, 2015: http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2015/05/27/090224b082eccb31/5_0/Rendered/PDF/Economic0monit0oc0liaison0committee.pdf

2. October 9, 2014 ,Palestinians call for help in 4bn cost of rebuilding Gaza: <http://www.ft.com/intl/cms/s/0/fbdad624-4f8f-11e4-908e-00144feab7de.html#axzz420VATvdw>

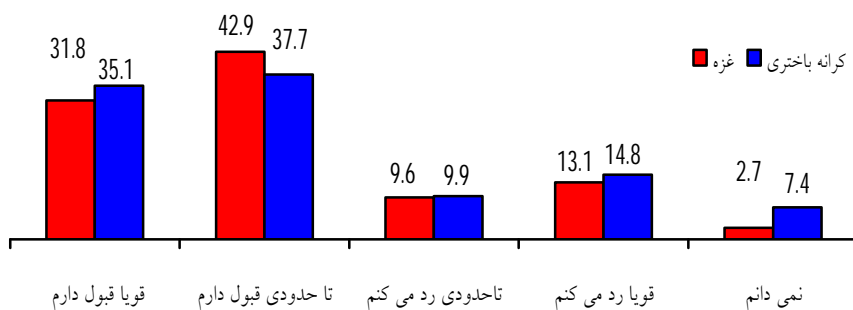


408 فلسطینی در غزه بود،¹ منتشر ساخت. در ادامه تلاش می‌شود با بازنشر بخش‌هایی از این نظرسنجی که نتایج قابل تأملی را دربردارد، دورنمایی از وضعیت اجتماعی فلسطینی‌ها به نمایش درآید.

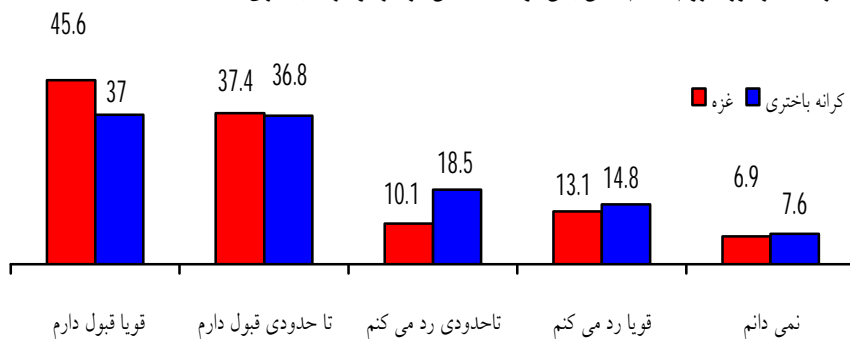


1. New Poll Shows Most Palestinians for Practical Progress, Tactical Compromises with Israel: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/new-poll-shows-most-palestinians-for-practical-progress-tactical-compromise>

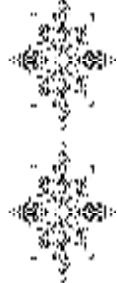
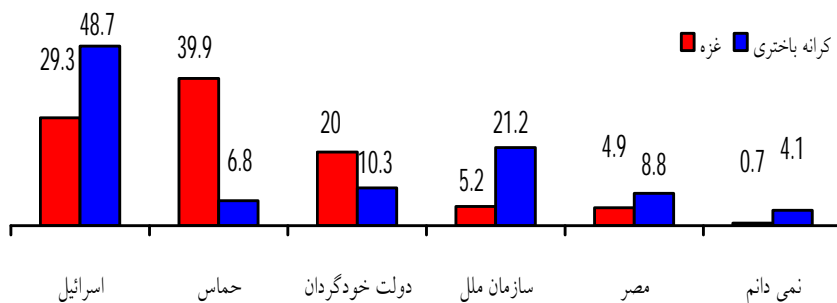
آیا می خواهید اسرائیل به شما اجازه کار در داخل مرزهای خود را بدهد؟



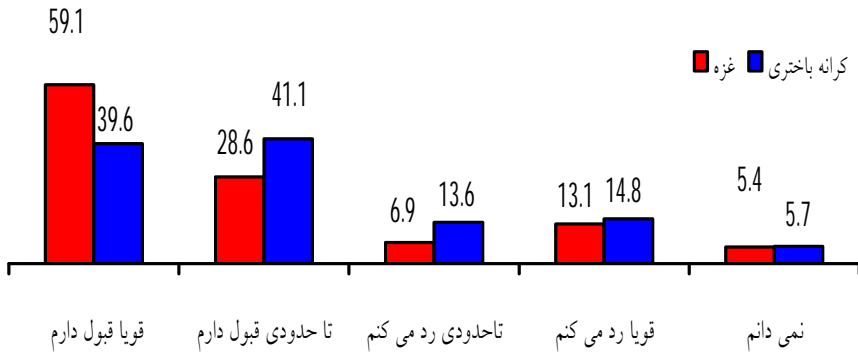
نظر شما در مورد لزوم اعلام آتش بس توسط حماس در غزه و کرانه باختری؟



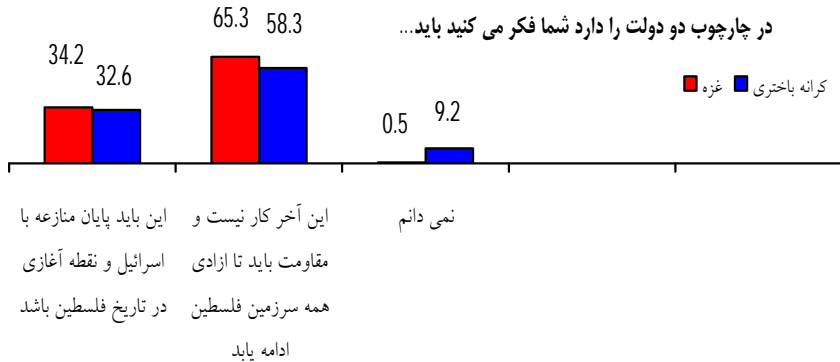
چه کسی مقصر کندی سرعت بازسازی غزه است؟



نظر شما در مورد لزوم اعزام نیروهای تشکیلات خودگردان برای اداره امور غزه چیست؟



اگر رهبری فلسطینی قدرت مذاکره با اسرائیل برای حل مسئله فلسطین در چارچوب دو دولت را دارد شما فکر می کنید باید...



نتیجه این نظرسنجی به خوبی مؤید ویژگی پراگماتیک مردم فلسطین است. مثلاً پاسخ به سؤال آخر، غایت بروز چنین ویژگی است که نشان می دهد بیش از نیمی از فلسطینی ها در بهترین شرایط راه حل دو دولت در یک سرزمین که به معنی به رسمیت شناخته شدن اسرائیل است را می پذیرند، اما در عین حال می خواهند مقاومت نیز تا آزادی کل فلسطین ادامه یابد. این در واقع همان استدلالی است که حماس از سال 2006 با تکیه به آن، برای مشارکت وارد صحنه سیاسی فلسطین شد و این روند را تا امروز ادامه داد. در عین حال نیاز به تکرار مجدد این مسئله نیست که امور رفاهی، مقصر دانستن حماس به عنوان عامل مشکلات و از همه قابل تأمل تر، مطالبه اعلام آتش بس توسط حماس نزد

فلسطینی‌ها و به ویژه اهالی غزه تا چه اندازه مهم است.

سخن پایانی

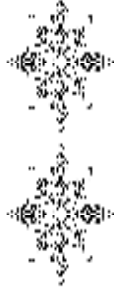
حماس با ویژگی‌های هویتی درهم پیچیده، سازمانی ضد صهیونیستی، سنی، سلفی، اخوانی و عرب محسوب می‌شود که به عنوان محور فلسطینی محور مقاومت همچون گذشته در قبال اشغالگری اسرائیل از روش‌های سخت مبارزه در چارچوب مقاومت مسلحانه استفاده می‌کند.

ویژگی‌های هویتی حماس بعد از بحران سوریه و یمن، این سازمان را به نوعی کنشگری واداشت که نتیجه آن تقابل مواضع حماس با جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان بود. اما حماس همچنان در مواضع اعلامی آشکار و نیز اقدامات سخت در کرانه باختری، هویت ضد صهیونیستی خود را حفظ کرده است.

حماس با قرائت و تفسیر خاصی، مشارکت سیاسی و آتش‌بس با اسرائیل را مرحله‌ای از مقاومت تعبیر می‌کند و فرصت بازسازی توان مقاومت برای آزادی کُل فلسطین را فراهم می‌سازد.

حماس به دلیل تصدی امور غزه، موظف به پاسخگویی به مردم در امور رفاهی است. این در حالی است که وضعیت وخیم اقتصادی غزه و گرایش فزاینده فلسطینی‌ها به سمت عمل‌گرایی، حماس را ناچار به استمداد مالی از کنشگرانی کرده است که به طور طبیعی در ازای کمک‌های خود انتظار دارند حماس در چارچوب تعیین شده از سوی آنان رفتار کند.

جمهوری اسلامی ایران باید براساس تکالیف تعیین شده در قانون اساسی و آرای امام خمینی (ره) و نابودی اسرائیل، به بازتعریف استراتژی خود در برابر حماس بپردازد. جمهوری اسلامی ایران، باید با درک واقعیت‌های هویتی حماس، چندپارگی عملکرد این سازمان را بپذیرد و کنش آینده خود را فقط براساس اشتراکات طرفین در پرونده فلسطین طراحی و اجرا کند. جمهوری اسلامی ایران



در چنین روندی باید ملاحظات زیر را در نظر داشته باشد:

قطع روابط با حماس یا تلاش برای یافتن بدیل‌های تمام‌عیار برای این سازمان، حماس را به سمت کنشگران رقیب سوق خواهد داد. این مسئله الگوی رفتاری این سازمان در محور مقاومت را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و به دلیل جایگاه قدرتمند حماس در غزه و استعداد قابل توجه نظامی این سازمان و تسلطش بر اوضاع غزه احتمال بروز تنش بین این سازمان و گروه‌های بدیل فلسطینی را افزایش خواهد داد.

مشى مسلحانه، هویت اصلی حماس نزد فلسطینی‌ها و گروه‌های دیگر مقاومت است. از این رو این سازمان برای حفظ جایگاه خود هرگز به سمت کنار گذاشتن سلاح پیش نخواهد رفت. چرا که وجود نحله مقاوم در شاخه سیاسی (حماس درون غزه) و نیز شاخه نظامی این سازمان، از موانع اصلی خروج حماس از مشى مقاومت مسلحانه است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از این فرصت و تقویت شاخه‌های نظامی و سیاسی همسو در حماس، همچنان از ظرفیت این سازمان در محور مقاومت بهره‌برداری کند.

حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی دیگر همزمان با حمایت از حماس، یک راه‌حل دو وجهی برای حفظ حماس در مشى مقاومت مسلحانه و حل مسئله فلسطین است.

بدیهی است کمک به بازسازی غزه و بهبود شرایط اقتصادی و رفاهی یک متغیر وابسته به شرایط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است؛ اما جمهوری اسلامی ایران برای حفظ حماس از سوق یافتن به سوی کنشگران رقیب، ملزم به درک شرایط حماس در غزه و تلاش برای بهبود آن است.

